

کوچه نو گناباد

Kuche now-e gonabad

www.ketab.ir

حسین پور ابراهیم

www.ketab.ir



نشر موندیز

کوچه نو گناباد

مؤلف: حسین پور ابراهیم

چاپ: معین / نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۶-۷۳۴-۱

دفتر نشر: مشهد - خیابان آبکوه ۷ - دانشسرای ۸ - شماره ۹۰

تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۷۴۷۶۵ | دورنگار: ۰۵۱-۳۷۲۵۱۳۰۲

تمام حقوق چاپ و نشر این اثر طبق قرارداد محفوظ است و هرگونه چاپ و تکثیر از محتویات این کتاب بدون اجازه کتبی ممنوع است.

متخلفان به موجب قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار میگیرند.

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

سرشناسه	:	پور ابراهیم، حسین، ۱۳۲۷ -
عنوان و نام پدیدآور	:	کوچه نو گناباد/ نویسنده حسین پور ابراهیم.
مشخصات نشر	:	مشهد: انتشارات مرنديز، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهري	:	۱۵۶ص: عکس (بخشی رنگی).
شابک	:	978-600-106734-1
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	گناباد(شهرستان)
موضوع	:	Gonabad (Iran)
موضوع	:	پور ابراهیم، حسین، ۱۳۲۷ - -- خاطرات
موضوع	:	فرهنگ عامه -- ایران -- گناباد
موضوع	:	Folklore -- Iran -- Gonabad
موضوع	:	گناباد -- آداب و رسوم زندگی اجتماعی
موضوع	:	Gonabad (Iran) -- Social life and customs
رده بندی کنگره	:	DSR ۲۱۱۷
رده بندی دیویی	:	۸۲۶۴/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۴۳۴۹۶۸

فهرست مطالب:

۷.....	شروع.....
۹.....	سیمای شهر گناباد قبل از ۱۳۳۲.....
۱۲.....	مرکز شهر از ۱۳۳۲ به بعد.....
۱۹.....	گاراژهای گناباد(پایانه مسافری).....
۲۰.....	موسیقی محلی(عشقی ها).....
۲۳.....	محلات گناباد.....
۳۲.....	اقدامات عمرانی در محل.....
۳۶.....	چگونگی زندگی مردم.....
۳۹.....	دوران کودکی.....
۴۰.....	دوران ابتدایی.....
۴۱.....	دوران دبیرستان.....
۴۷.....	خدمت سربازی(سپاهی دانش).....
۵۵.....	قبولی در دانشگاه.....
۵۸.....	جغرافیای مشهد.....
۶۵.....	استخدام در آموزش و پرورش.....
۷۵.....	ورزش.....
۷۸.....	تحصیلات.....
۷۹.....	اشعار.....
۹۰.....	داستان‌های پندآموز.....
۱۱۸.....	گناباد/کرج.....
۱۳۱.....	کتاب ها.....

شروع

در یکم اسفند ماه ۱۳۹۸ که از گناباد به کرج رفتم مدتی از شروع و شیوع بیماری کرونا می‌گذشت و مرتب رسانه‌های گروهی از مردم می‌خواستند که برای مهار کرونا در منزل بمانید و من هم چنین کردم ولی ماندن در خانه تا مدتی نامعلوم برای من مشکل بود و غیر از دوبار که به تهران رفتم بیشتر تلفنی با دوستان در ارتباط بودم، به فکر رسید جالا که مجبورم در خانه بمانم از این موقعیت استفاده کرده و کتابی در مورد گناباد بنویسم با استفاده از حافظه‌ام شروع به فیش برداری نمودم و شروع به نوشتن این کتاب کردم برای این کتاب نام ((کوچه نوگناباد)) را انتخاب کردم.

چرا؟ به خاطر اینکه من در ۱۳۲۷/۱۲ در منزل پدری در این کوچه متولد شدم و آن هم زمانی که سه ماه از فوت پدرم گذشته بود. در مورد پدرم شادروان حاج ابراهیم پورابراهیم در کتاب ((مرد خودساخته)) که گذری بر زندگی برادرم شادروان حاج حسن پورابراهیم است بطور کامل توضیح داده‌ام و مرحوم مادرم حاجیه فاطمه رجب نژاد یک سال بعد همسر عمویم مرحوم کربلایی محمد پورابراهیم شده که حاصل این ازدواج یک برادر به نام علی و یک خواهر به نام حوا می‌باشد. کوچه نو یکی از کوچه‌های فرعی محله آسیابان‌ها در مشرق خیابان شریعت است و قناتی که در محله ما جاری است هنگام عبور از این کوچه و رسیدن به باغات و زمین‌های کشاورزی پایین دست آن تماماً بنام کشتوان کوچه نو معروف می‌باشد.

در سال ۱۳۴۸ که خدمت سپاهی دانش را در خمین روستای قشلاق سادات می‌گذراندم چون مرحوم برادرم در تهران معلم بود در مواقع تعطیلی به دیدن او می‌رفتم، در میدان بهارستان پاساژ آشتیانی همشهری و دوستم آقای اصغر قلی زاده آرایشگاهی دارد که پاتوق ((خونه فنجو)) گنابادیها می‌باشد و الان هم هست. یک روز در

آنجا بودم به من گفت: همسایه شما در چهار راه نادری که نزدیک اینجاست مغازه خیاطی دارد، گفتم: کی؟ گفت: حسین حسین زاده ((پسر استاد علی خیاط)) برو و او را ببین، من هم به آنجا رفتم، وارد که شدم سلام کرد، جواب سلامم را داد و سپس گفت کاری دارید؟ من با لهجه‌ی گنابادی جوابش را دادم و گفتم من پسر حاج ابراهیم مختار همسایه‌ی شما هستم، آدرس شما را آقای قلی زاده به من داد که بلند شد و به گرمی با من احوالپرسی کرد و گفت من که از گناباد به تهران آمدم کوچک بودی و دستور چایی داد که شاگردش از مغازه بیرون رفت و آقای حسین زاده از تمام همسایگان کوچه و محله ما یک به یک سؤال کرد، شاگردش چایی آورد و آقای حسین زاده مدت یک ساعت از گنابادی‌ها سؤال نمود و من هم جواب دادم، بعد به من گفت برو به کوچه بغل مغازه و بیا بگو چه چیز جالبی دیدی رفتم و برگشتم و توضیح دادم که یک ماشین پارک بود و دو نفر هم با گاوی دستی اجناس خود را می‌فروختند بمن گفت دقت نکردی دوباره برو بعد از برگشتن دوباره همان جوابها را دادم، با من بیرون آمد و تابلو کوچه را به من نشان داد. دیدم این کوچه نامش ((کوچه نو)) است و گفت من برای انتخاب مغازه یک سال خیابان‌ها و کوچه‌های تهران را گردیدم و اینجا را برای محل کار خود انتخاب نمودم، هم نزدیک اصغر قلی زاده است و نام آن نیز همنام ((کوچه نو)) خودمان است و هر روز صبح که به محل کار می‌آیم چشمم که به تابلو می‌افتد خاطرات کوچه خودمان در گناباد برایم زنده می‌شود. این را هم بگویم که آقای حسین زاده یکی از بهترین خیاط‌های تهران بود که متأسفانه چند سال قبل ایشان فوت نمود و در گناباد جلسه‌ی پرسی‌ای آبرومندی در مسجد محل ما برای ایشان برگزار شد. خداوند رحمتشان کند.

در اوایل دهه پنجاه که در مشهد تحصیل میکردم روزی به خانه آقای غلامرضا آراسته رفتم که در خیابان خواجه ربیع کوچه کارخانه کبریت بود. روبروی کوچه آقای آراسته چشمم به تابلو کوچه‌ای افتاد که آن هم ((کوچه نو)) بود.